

هشت مارچ و فرو کاست رویکرد انتقادی به شعاری

نسیم ابراهیمی



روز به وضعیت و خواست زنان بپردازد. آنچه در برنامه های رسمی تجلیل از روز زن دیده می شود، آرایه آمارها و داده های میزان خشونت و تقدیم هادیا به زنان در این مراسم است. بر این اساس،

و نیز معلوم نیست که چه خواستی حد اقل در این روز برای تغییر وضعیت بیان شود. با این وجود، به جز هیاهوهایی که در رسانه ها وجود دارد، در متن جامعه ی زن، چنین روز جایگاهی ندارد و از آن تجلیلی

«مادر»، «خواهر»، «همسر» و ... می نگردند و با این ویژگی ها و مقام ها، مردان دفاع و حفاظت از آن ها را به گونه ی عاطفی مکلفیت خود می دانند و زنان هم همین انتظار را دارند و در برابر تغییر این

در حال حاضر، تجلیل از روز «هشتم مارچ» در خیلی از کشورها از جمله افغانستان بیشتر بعد عاطفی و شعاری دارد تا رویکرد واقع بینانه نسبت به وضعیت و خواست زنان. آنگونه که در مراسم یادبود روز هشتم مارچ است تا این که خواست زنان در این روز بازتاب داده شود. روز هشتم مارچ که به عنوان روز خلق و بازتاب ادبیات فمینیستی به حساب می آید، اکنون در میان ما این دیدگاه جایگاهی ندارد و بدون حساب می آید، اکنون در میان ما این دیدگاه جایگاهی ندارد و بدون حساب می آید. تجلیل از روز زنان که می بایست بیانگر وضعیت و خواست واقعی زنان با دیدگاه فمینیستی باشد، اکنون به شعارگرایی محض تقلیل یافته است.

تجلیل از هشتم مارچ به جای این که یک گفتمان واقعی فمینیستی را خلق کند، به یک سنسنت در اداره های رسمی دولتی و برخی از نهادها تبدیل شده است.

هم نمی شود و واقعیت دیگر هم اینکه در تجلیل از روز زنان، بیشتر مردان نقش و هیاهو دارند تا زنان.

دیدگاه، از خود مقاومت نشان می دهند. اکنون از روز «زنان» در حالی تجلیل می شود که اغلب معلوم نیست که چرا چنین روزی و به چه هدفی وجود دارد

هشت مارچ؛ روزی برای زنان

محمد هدایت

هشتم مارچ یا روز جهانی همبستگی زنان برای مبارزه با نابرابری میان زن و مرد، در اکثر کشورهای جهان تجلیل می شود و به این بهانه هر ساله از ستم هایی که بر زنان به خاطر جنسیت شان رفته است، یادآوری می گردد. روز هشتم مارچ به این دلیل به عنوان روز جهانی همبستگی زنان نام گذاری شده است که در سال ۱۸۷۵ میلادی زنان کارگر کارخانجات یافندی در شهر نیویورک ایالات متحده برای بهبود شرایط کارشان و در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد، دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به تقابل با پولیس انجمن و پولیس آن را سرکوب کرد و ده ها زن نیز زندانی شدند. این برخورد پولیس باعث گردید که زنان کم کم متوجه سرنوشت رقت بار خویش و نابرابری های میان مردان و زنان شوند و حقوق انسانی خویش را از دولت ایالات متحده مطالبه کنند. در ادامه حرکت های حق طلبانه زنان در هشتم مارچ سال ۱۹۰۷ نیز در کارخانه های یافندی ایالات متحده دست به اعتصابات گسترده زدند. این بار نیز اعتراض زنان به شدت سرکوب شد و در حالی که زنان در کارخانه محبوس گردیده بودند، کارخانه به طرز مشکوکی آتش گرفت و ۱۲۹ تن از آنان در آتش سوختند. از آن پس هشتم مارچ به عنوان یک روز جهانی تثبیت گردید و همه ساله تجلیل می شود.

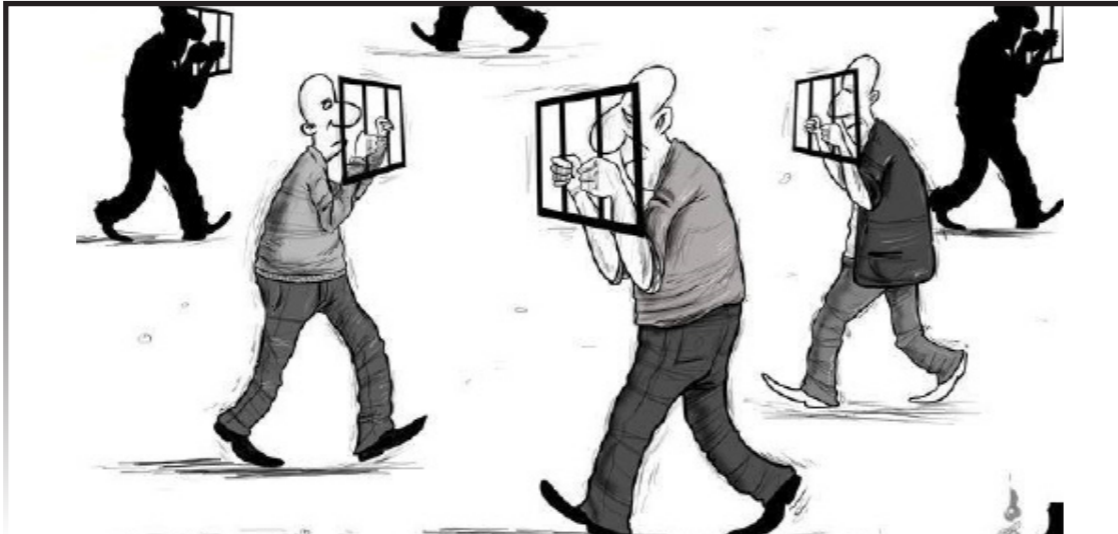
هشتم مارچ در افغانستان نیز به دلیل محرومیت تاریخی زنان، اکنون بیش از هر جای دیگر مورد توجه قرار گرفته است و زنان این روز را تجلیل می کنند. اما آیا واقعا یادآوری و تجلیل از چنین روزی چه کمکی به بهبود زندگی زنان می کند؟ یک برداشت این است که پرداختن به زنان و مسایل آنان تبدیل به مناسک و آیین های نمایشی شده است و به باور برخی از مردم افغانستان، برخوردهای نمایشی با سرنوشت و وضعیت زنان، نه تنها وضعیت آنان را بهبود نمی بخشد بلکه آن را پیچیده تر نیز می کند. زیرا در سال های پساطالبان، میلیون ها دالر به بهانه بهبود وضعیت زنان مصرف شده ولی تغییر در سرنوشت زنان به وجود نیامده است. از این نگاه هنوز وضعیت فرودستی و فرادستی میان زن و مرد در افغانستان به شدت سابق وجود دارد و هنوز در بسیاری از مناطق به زنان به عنوان یک کالا نگریسته می شود، هنوز زنان مورد تجاوز قرار می گیرند و حتی خریدوفروش می شوند. آمارهای خشونت علیه زنان هر ساله افزایش پیدا می کند و علی رغم تعهدات دولت افغانستان در جهت فراهم سازی زمینه های مشارکت زنان در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اداری، هنوز درصد بسیار اندک ادارات افغانستان را زنان تشکیل می دهند.

این بدبینی اما در حالی مطرح می شود که محافل گرامیداشت از هشتم مارچ در سراسر افغانستان گرم است و زنان هم چنان این روز را بهانه ای برای بروز و طرح مطالبات و خواست های خویش قرار داده اند. هشتم مارچ و برنامه هایی که به این مناسبت برگزار می شود گرچه پیامدهای ملموس و فوری در پی نخواهد داشت، ولی صرف یادآوری از چنین روزی، آن هم در مقیاس های وسیع و با رفتارهای معنادار و سمبلیک، می تواند فضای مردانه را حداقل برای مدتی تبدیل به یک فضای همدلانه بسازد و محرومیت های آنان کند. اساسا فلسفه اصلی آیین ها و مناسک و تجلیل از مناسبت ها، تداوم اندیشه ها و آرمان های انسانی است که در این گونه آیین ها نهفته است. انتظار تأثیرات عملی و فوری از روز هشتم مارچ، آن هم در سرزمینی مثل افغانستان که زنان در طول تاریخ آن محروم بوده اند و همواره مورد ظلم واقع شده اند، توقع حداکثری و غیر واقع بینانه است.

هشتم مارچ روزی است که در آن ستم های رواداشته شده بر زنان توسط محافل و حرکت های نمایشی یادآوری می گردد. این یادآوری به خصوص برای زنانی که در کشوری مثل افغانستان زندگی می کنند، مهم تر از زمانی است که ستم ها را پشت سر گذاشته اند و در کشورهای آزاد زندگی می کنند. زیرا یادآوری چنین روزی برای آنان انگیزه مضاعف برای مبارزه و تلاش در راستای اعاده حیثیت انسانی شان خلق می کند. امری که هنوز در سرزمین ما و سرزمین های مشابه یک ضرورت اساسی و حیاتی برای زنان است.

در آمدی بر مشابهت های فاشیسم کلاسیک و بنیادگرا

محمد هدایت قسمت چهارم و پایانی



همه جنبش های فاشیستی بر دوش توده ها حرکت می کرده و همواره به شعارها و آموزه های پوپولیستی متکی بوده اند. به عبارت دیگر فاشیسم پیش از آنکه متکی بر ایدئولوژی و یک فلسفه سیاسی باشد، متکی بر احساسات و عواطف های توده های جامعه سوار بوده است. هم چنانکه فاشیسم کلاسیک بر دوش طبقه متوسط و غالباً فقیر جامعه حرکت می کرد، سربازان طالبان را نیز اکثرآ کسانی تشکیل می دادند که خانواده ها و کسان خود را در جنگ ها از دست داده بودند. از سوی دیگر طالبان تنها نیروهای نظامی آن نبود، بلکه احساسات پرشور و قوی توده ها نیز آن ها را یاری می کرد.

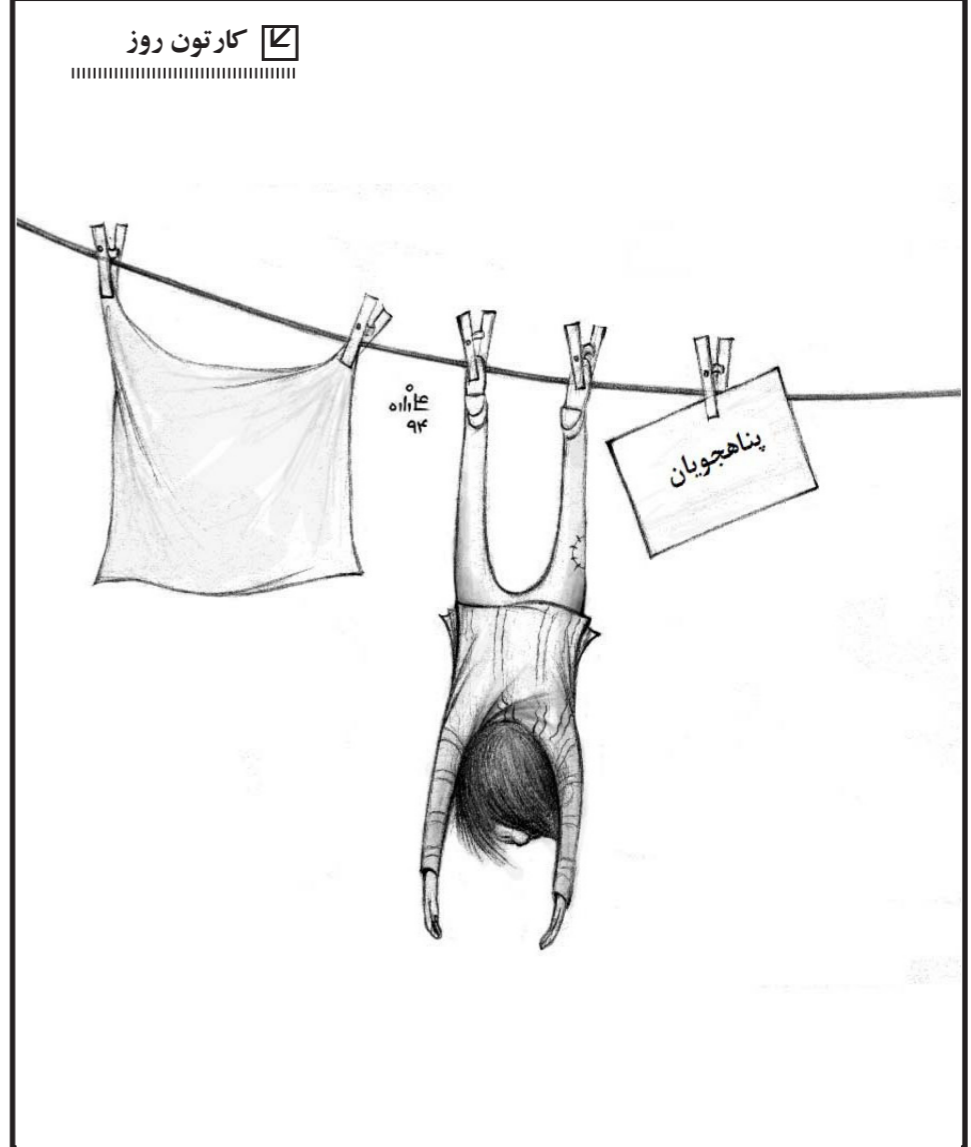
شده این نوع مدرسه ۸۰۰۰ و ثبت نشده آن ۲۵۰۰۰۰ باب مدرسه دانسته شده است که در آنها حدود بیش از نیم میلیون محصل علوم دینی، مشغول به تحصیل بوده اند. حضور این سربازان بی نام و نشان که یک ارتش قوی و دارای انگیزه های قوی را تشکیل می داد، بعدها در قالب گروه طالبان یکی از خشونت آفرین ترین حکومت های منطقه را در آستانه هزاره سوم از خود به یادگار گذاشتند.

هیتلر بعد از به دست آوردن قدرت در سال ۱۹۳۳ طرف یک سال آلمان را به یک ماشین جنگی عظیم تبدیل کرد. آن چه در مورد جنبش طالبان بسیار محسوس و ملموس است غیر قابل پیش بینی نبودن آن است. حرکت طالبان به عنوان یک جنبش فاشیستی در افغانستان، بیش از آنکه مربوط به درون افغانستان باشد، با القاعده و سرچشمه های شبه قاره ای بنیادگرایی «دیوبندیسم» یا همان مدارس اسلامی پاکستان گره خورده است. در افغانستان کسی هرگز چیزی به نام جنبش و سپس حکومت طالبانی را پیش بینی نمی کرد. دیوبندیسم که به گفته «احمد رشید» روزگاری برای اصلاح جامعه اسلامی به وجود آمده بود، ولی وقتی در قامت طالبان در آمد، یکی از خشن ترین چهره های خود را به نمایش گذاشت. در سال ۱۹۶۷، وقتی دیوبندی، جشن صد سالگی خود را برپا کرد، تعداد مدارس دیوبندی در سراسر آسیای جنوبی ۹۰۰۰ مدرسه بوده است. اما این مدارس بعدها در زمان ضیا الحق که تعلق خاطر خاصی به دیوبندیسم داشت، به شدت افزایش یافت. به همین خاطر در سال ۱۹۷۱، تنها ۹۰۰ مدرسه اسلامی از زیر شاخه های دیوبندی در پاکستان فعال بود، اما در اواخر دوران ژنرال ضیاءالحق تعداد ثبت

در مجموع باید گفت، فاشیسم اینک برای ما تنها جنبه تحلیل تاریخی ندارد، چه این که به گفته هی وود، فاشیسم یک خطر همواره موجود است. فاشیسم به مثابه یک جریان نهفته و پنهان که هیچگاه قابل پیش بینی نیست، در هر دوره ای از تاریخ ممکن است، سر برآرد. این خطر پیش از هر کسی دیگر ما را به عنوان مسلمان کشورهای ما را به عنوان کشورهای اسلامی، تهدید می کند. چرا که کشورهای جهان سوم و جهان اسلام، با بحران های متوالی و گوناگون مواجه هستند، یکی از برآیند های بحران و بی ثباتی فاشیسم

جمع بندی: همه ایدئولوژی های فاشیستی در عرصه عمل و در فرایند تحقق آرمان های خود به خشونت متوسل می شوند. زیرا که آن ها جهان را عرصه تنازع و در نتیجه عرصه بقای انسان های برتر می دانند. به همین خاطر برای بقا و پیروزی باید جنگ کرد و جنگ همیشه خشونت را در پی دارد. قتل عام های نازیسم آلمانی و کشتارهای وسیع طالبان تنها نمونه هایی از هزاران عمل خشونت بار فاشیستی است که در جهان رخ داده است.

۳- فاشیسم به مثابه جنبشی پوپولیستی این واقعیت نیز غیر قابل انکار است که



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

